

پیشگفتار

خداوند را شاکریم که نعمت در ک نعماتش را بر ما ارزانی داشته و در این شکر همتی عطا کرده است تا بر نیاز موجود اندکی بنگریم و روشنی حضورش را با یاران همراه یاد آور شویم. ترنر در کتاب شهر همچون چشم/انداز نگرشی فراتر از فرانو گرایی را در برنامه ریزی و طراحی مطرح و ساختارهای شهری را از چهار چوبهای درختی رها می کند و به سمت الگوها و چشم اندازها می کشاند. چشم اندازهایی که دریچه های متنوعی را برای اذهان مختلف می گشاید. نویسنده نیز بر همین اسلوب سعی کرده است تا در قدر توان و دانش اندک خود و نیز استفاده از کتب و منابع متعدد، بر حسب تجارب اندکش چشم اندازهایی را، که نه خود بر آن کوشیده بلکه همت عالی قدرانی است که هم در ایجاد و هم در جلوه آن سعی تمام کرده اند، برای طراحان امروزی کشور ما گشاده کند. تنها نظری که از نویسنده در آن برآمده گشایش دریچه هایی از پیش آماده شده برای اذهان مخاطبان ایرانی بوده است.

در این چشم اندازها از نظریات عزیزانی بهره برده و با ذکر منبع و با تغییر روش بیان و اسلوب پردازش، آن را بر نیاز امروز کشور نقش زده و نظری کاربردی مطرح کرده ایم. ارائه مطالب در ساختار خاص این مکتوب یعنی ارائه چشم اندازهای دانش طراحی محوطه مجموعه های مسکونی و از همه مهم تر بر زبان نیاز الگوی غالب مسکن امروزی میهنمان ثبت شده است؛ باشد که کارگشا شود.

همان طور که گفته شد آنچه آمده به قدر توان اندک و فراست ناچیز نویسنده معرفی شده تا مسیری گشوده و هموار شود تا عزیزان ساعی دیگر مناظر متنوع تر و غنی تر و کارسازتر دیگری را بر چشم ما بکشایند و معرفتی بر طراحان توانا افزوده شود، تا در این دنیای نه چندان خالی از مصایب، عزیزان هم میهنمان

راضی‌تر سکونت کنند و در سکونت خویش به زیبایی درون خویش و به معرفتی از هستی نایل آیند که همه چیز فانی است، جز همو و هر چه از او رنگ پذیرفته باشد. نویسنده منقوش را خالی از ایراد نمی‌داند که قدر سعی اندک و توان ناچیز اوست. هر چه حسن است بر عزیزانی است که از منابع آنان بهره برده شده و هر چه کاستی است از حقیر. ارائه اثر تنها برای فراهم آوردن بستری برای توجه به محوطه مجموعه‌های مسکونی بود تا با همت دیگر عزیزان در حوزه‌های دانش و عمل در آن شاهد رشد و تعالی ساکنان شویم. چشم امید بر دیده اغماض خوانندگان است تا بر کاستیها به دیده رحمت نگرند و با نقد خود ویرایشهای بعدی را غنی‌تر سازند و حتی گشایشی باشند برای تلاشهای دیگر دوستان. در نهایت خداوند را شکر می‌کنیم که به ما توان اندیشیدن، تحمل سختیها و مجالست با دوستان گران‌قدر داده است.

دوستان بسیاری در طی این مسیر و به ثمر رسیدن این کتاب یاری‌بخش نویسنده بودند که از همه آنان صمیمانه سپاسگزارم. در وهله اول پدر و مادر و خانواده‌ام که لحظات پر مشقتی را همراه من متحمل شدند و تشویقشان همواره مرا ترغیب می‌کرد و اهداف عالی را برایم قابل دسترس می‌نمود. همچنین از آقای دکتر قیومی و خانم دکتر اهری و از دوستان عزیزم آقای ابوذر صالحی، هانی تاج و مجید نورتقانی کمال تشکر را دارم و برایشان آرزوی سلامتی می‌کنم.

رضا رامیار

بهمن ۱۳۸۸

مقدمه

در سالهای بعد از انقلاب، به علت اوضاع متأثر از دوران جنگ و بهبود وضعیت بهداشت عمومی، کشور ما با رشد ناگهانی جمعیت روبه‌رو شد. تحریمها، رکود اقتصادی، مسائل اجتماعی بعد از جنگ و نیز نبود نیروهای متخصص در زمینه‌های عمران، معماری و شهرسازی به همراه سیاستهای بسته دولتی به تصمیمات عجولانه و غلطی در زمینه معماری و شهرسازی منجر شد که راهکارهای تأمین مسکن را در چرخه معیوب و پر اشتباهی قرار داد. حاصل آن وضعیتی است که امروزه می‌بینیم. یکی از این آسیبها که در وضعیت مسکن شهری مشاهده می‌شود این است که هنوز هم تحت تأثیر شرایط پیچیده اقتصادی و موانع اجرایی کشور در جهل و اشتباه به سر می‌برد.

اشتباهات و ضعفها در مدیریت اقتصادی زمین و مسکن که یکی از حیاتی‌ترین نیازهای بشر و مؤلفه‌های رفاه اوست، مسکن را بازیچه سودجویها و دلایلهای عده‌ای قرار داده است. به گونه‌ای که خرید یک واحد مسکونی برای خانواده با درآمد متوسط، هزینه‌ای بیش از درآمد یک دوره زندگی را می‌طلبد. به هر حال تا آنجا که امکان داشت گره بر گره زده شد، به طوری که سیاستهای اصلاحی دولت نه تنها نتوانسته راهی بگشاید، بلکه بر وخامت اوضاع نیز افزوده است.

در این میان سرمایه‌گذاران دولتی و خصوصی با الگوبرداری ظاهری و پیش پا افتاده از تجارب کشورهای غربی و وارد کردن فناوریهای جدید شروع به ساخت و ساز کردند. بدون توجه به نوع زندگی‌ای که این نوع مسکن به همراه می‌آورد، آپارتمانهای ۱۰، ۲۰ و حتی امروزه ۴۰ طبقه مسکونی (در شهرهای بزرگ) بر پا شده است: خانه‌های مسکونی شبیه به هم و مدولار، بی‌حیاط و

بی‌حیات، فرو رفته در خود، همچون ساکنانشان که همه چیز را در دنیای چهاردیواری خویش می‌بینند. محیطی فاقد حیات، آسمان و ستاره برای زندگی افراد ساخته شد. حیاط، حوض، بازی، نور و درخت همه و همه در بالکنی جای می‌گیرد که عرضش از عرض شانه‌های ساکنان نحیفش هم کمتر است. به طوری که بنا بر نظر نویسنده فرانسوی «گاستون بشلار»، که خود از داشتن خانه محروم بود، به شرایطی رسیدیم که می‌توان گفت خانه‌ای در شهرها مشاهده نمی‌شود و ساکنان شهر در جعبه‌هایی که روی هم انباشته‌اند زندگی خود را به سر می‌برند (بشلار به نقل از: مدنی‌پور، ۱۳۸۸).

به هر حال به هر دلیلی الگوی مسکن‌سازی ما طی این سالها عوض شده و بسیار هم عوض شده است. در الگوی جدید از هر روشی و هر نگرش ساختی چیزی تقلید شده است. الگویی بی‌حیاط، با تراکم ۶۰ درصد و فضای بازی که دیگر نه خصوصی است و نه عمومی، بلکه پارکینگ شده و جایگزین حیاط خانه‌ها گردیده است و به مانند خیابان، تنها برای رد شدن از آن استفاده می‌شود. در آن نه روح اجتماعی و برخوردی محبت‌آمیز به معنای واقعی دیده می‌شود و نه بچه‌ای در آن رغبت می‌کند تا رؤیای کودکی خود را خیال کند.

امروزه آپارتمانهای عمومی (چندواحدی) بر شیوه ساخت در شهرهای بزرگ ما غالب شده است و تنها عده اندکی با درآمد بالا توانایی مالی مالکیت خانه‌های تک‌واحدی را دارند. آنهایی هم که میراثی از گذشته برده‌اند، شکی نیست که به زودی به جمع فروشندگان خانه‌های کلنگی و به جمع آپارتمان‌نشینها پیوندند. در شهرهای کوچک نیز به علت رشد بی‌رویه شهرنشینی و نیز تقلید صرف از شیوه ساختمان‌سازی پایتخت، آپارتمان‌نشینی رو به رشد است.

پذیرش راحت الگوی مسکن فوق را از سوی ساکنان می‌توان در چند عامل

خلاصه کرد:

۱. گرانی زمین و دلالتی بر روی زمین (به دلایل مختلف).
۲. مشکلات خانواده‌ها در تأمین نیازهای اولیه خود و از این رو غرق شدنشان در حل مشکلات اولیه زندگی که موجب شده است نسبت به بسیاری از مسائل زندگی خود از جمله تربیت فرزندانشان و نیازهای آنان سهل‌انگار باشند.

۳. پایین بودن سطح آگاهی مردم نسبت به شرایط زندگی که خود منجر به آن می‌شود که حقوق مسلم خود را نشانند و بر آن دادی نخواهند.

۴. نبود آموزش درست در زمینه تأثیرات اجتماعی فضای معماری بر زندگی ساکنان و بر میزان رضایتشان.

۵. نبود تعهد اخلاقی در آگاهان و متخصصان این امر (بیشتر معماران و تحصیل کرده‌های ما که خود از مشکلات بسیاری رنج می‌برند، در چرخه سودجوییها تنها به فکر کسب درآمد خود هستند).

۶. اعتماد نداشتن به نیروهای تحصیل کرده دانشگاهی و استفاده نکردن از تخصص آنان از جانب عوامل مجری و قانون‌گذار که البته در سالهای اخیر بهبود یافته است.

مسکن و متعاقب آن فضای باز مسکونی دچار تغییرات اساسی شده است. در این تغییر ساختار، شناخت نوع فضا اولین مرحله برای به دست آوردن راهکارهای اساسی برای طراحی فضای باز آن است. البته این تغییرات بر هویت و ساختار مسکن و نوع زندگی در آن نیز تأثیر فراوان گذاشته است که نیاز به درک مفاهیم جدید موجود در مسائل را ضروری می‌سازد.

این کتاب متشکل از شش فصل است که در آن سعی شده است به کمک شناخت اولیه از فضاهایی که خصوصیتی متفاوت از گذشته دارند، شناختی روشن‌تر از فضای باز و متعاقب آن کل مسکن در مجموعه‌های مسکونی به دست آید، موقعیت و پتانسیل‌های آن کشف و نیازهای ساکنانش در آن فضا مشخص گردد و در نهایت چشم‌اندازهایی بر طراحی فضای باز در این گونه ساخت و سازها گشوده شود. به منظور یافتن شیوه کشف این راهکارها، در فصل اول ابتدا اهداف و ضرورتها ارائه گردیده است. در فصل دوم سکونت تعریف مختصری شده و آراء صاحب‌نظران درباره آن مورد مذاقه قرار گرفته است. در ادامه در فصل سوم به بررسی انواع مسکن و از آن زاویه به انواع فضای باز پرداخته شده و مزایا و معایب آنها برشمرده شده است. برای تکمیل مقدمات نمونه‌هایی از طراحی محوطه مجموعه‌های مسکونی در داخل و خارج کشور در فصل چهارم ارائه شده که از این طریق موقعیت کنونی

طراحی این فضاها در کشور ما در مقایسه با دیگر کشورها آشکار شده است. در نهایت در فصل پنجم و ششم با معرفی الگوی رویدادها که روش عمل الکساندر در طراحیهایش است، در استخراج و بیان چشم‌اندازهای طراحی برای محوطه مجموعه‌های مسکونی از آن بهره برده شده است. در فصل آخر سعی شده است از زوایای مختلف مانند مدیریت، منظر، اکولوژی، مخاطبان، و عوامل رفتاری به فضاهای مسکونی پرداخته شود.